

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۱۰

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Landscape Approach in Creating Vitality in Valiasr Avenue
An Emphasis on Creating the Sense of Place
A Case Study of Valiasr Avenue (The Distance between Vanak Square
and Parkway Intersection)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

رویکرد منظر در ایجاد سرزندگی خیابان ولی عصر با تأکید بر ایجاد حس مکان* نمونه موردی: خیابان ولی عصر (حد فاصل میدان ونک - چهارراه پارک وی)

الناز مرتاض مهربانی**

سید امیر منصوری***

شهره جوادی****

چکیده

بیان مسئله: تفکرات مدرنیستی و جزءنگر در دهه‌های گذشته سبب شده تا شهر به مثابه موجودی زنده، شادابی و سرزندگی خود را از دست داده و خیابان، رکن اصلی تشکیل دهنده چارچوب و ساختار اصلی فرم شهرها و مقصد و تفرجگاه مردم قبل از این دوره، به مسیری ترافیکی سرشار از دود تنزل یابد. کلانشهر تهران از این قاعده مستثنی نبوده و نگاه کالبدی و دوقطبی (دوآلیسم دکارتی) باعث عدم ایجاد حس مکان و در نتیجه عدم شکل‌گیری فضاهای جمعی سرزنده شده است. متأسفانه در شهرسازی امروز به مقوله مکان یا اصلاً توجه نمی‌شود یا اگر بخواهد مدنظر قرار گیرد، تنها به مثابه ابژه‌ای صرف به آن نگاه می‌کند؛ ابژه برای سوژه‌ای که در مقابل آن است، نه همراه آن.

هدف: مطالعه حاضر با رویکردی منظرین و راهبردی کیفی-استنتاجی و از مورد پژوهی خیابان ولی عصر با هویت تاریخی و خاطره جمعی پررنگ در بین مردم قصد در تبیین مؤلفه‌های سرزندگی و رابطه آن با حس مکان در خیابان ولی عصر دارد. روش تحقیق: درگردآوری داده‌های پژوهش از تکنیک نقشه‌برداری رفتاری و پرسشنامه در باب تدقیق رابطه کیفیت فضایی، معنایی و حس مکان خیابان ولی عصر و میزان سرزندگی و از فرمول آزمون فریدمن و نرم‌افزار SPSS برای وزن‌دهی به مؤلفه‌های ایجاد سرزندگی بهره‌گیری شده است. در نتیجه مجموعه‌ای از راهبردها و راهکارها در راستای احیاء منظر خیابان تاریخی - تفرجی ولی عصر در جهت افزایش سرزندگی، ایجاد و تقویت فعالیت‌های اجتماعی و تداوم جریان خاطرات جمعی پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی

سرزندگی، منظر، حس مکان، هویت، کل‌نگر.

*. این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد «الناز مرتاضی مهربانی» تحت عنوان «احیاء منظر خیابان ولی عصر - چنارستان» است که به راهنمایی دکتر «سید امیر منصوری» و مشاوره خانم دکتر «شهره جوادی» در دانشگاه تهران در حال تدوین است.
**. کارشناس ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران. elena.mehrabani@gmail.com
***. دکتری مطالعات شهری با گرایش معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران. seyedamir.mansouri@gmail.com
****. دکتری تاریخ هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران. javadi1336@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

تهران پایتخت دویست ساله ایران در مقایسه با دیگر شهرهای کشور، شهری جوان و در عین حال دارای ساختار پیچیده سیاسی و اجتماعی است. مهاجرت، تفاوت و قطب‌بندی اجتماعی میان مناطق شمالی و جنوبی تهران از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این شهر است (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۲). از این رو ایجاد حس مکان و شکل‌گیری روابط اجتماعی در این کلانشهر با پیچیدگی‌هایی روبرو بوده و نگاه جزءنگر و مدرنیستی شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری باعث کاهش حس تعلق مخاطب و به دنبال آن کاهش سرزندگی این شهر شده است. کاهش سرزندگی در فضاهای شهری از جمله مشکلاتی است که برای احیاء و باز آفرینی شهری باید به آن پرداخته شود. متأسفانه نگرش احیاء و باز آفرینی شهری در ایران، گام‌های نخست خود را برمی‌دارد و تحقیق‌ها و برنامه‌ریزی‌های در این راستا با نگاهی صرفاً کالبدی و تزئینی نه تنها خیابان‌ها و فضاهای شهری را به محورهای ترافیکی تبدیل کرده بلکه فرصت مکث و تعامل اجتماعی را از شهروندان دریغ کرده و عدم وجود ارتباط معنایی در طراحی و برنامه‌ریزی‌ها، باعث از دست رفتن حس تعلق شهروند تهرانی به این فضاها شده و هویت تهران رو به زوال است. از این رو باز آفرینی شهر با رویکرد منظر با توجه به ماهیت و راهبردهای آن می‌تواند پاسخی مناسب پیش‌روی برنامه‌ریزان شهری در تهران معاصر باشد. طراح منظر با دیدی کل‌نگر با اولویت دادن به هویت‌های فرهنگی و تاریخی و ارج نهادن به گروه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی به دنبال ایجاد نوعی توازن بین گذشته و حال و معاصر سازی فضاهای شهری در خور فرهنگ و هویت آن ملت به دور از تقلید و نگاه تک بعدی است. این نوشتار با بررسی مؤلفه‌های منظرین سرزندگی خیابان‌ها و فضاهای شهری در راستای ایجاد تعاملات اجتماعی شهروندان به‌عنوان یکی از سرمایه‌های موثر در احیای شهری می‌پردازد و با مورد پژوهی خیابان ولی‌عصر، سعی در اثبات این فرضیه دارد که عامل اصلی عدم پویایی و سرزندگی خیابان ولی‌عصر در محدوده مطالعاتی، برنامه‌ریزی و نگاه کالبدی و ترافیکی به این خیابان و نادیده گرفتن حس مکان، مؤلفه‌ای برتر در شهرسازی جدید، است. با این وجود کمتر نوشتاری به تدوین معیارهای تاثیرگذار و تبیین روابط متقابل حس مکان و سرزندگی پرداخته‌است. در اختیار داشتن معیارهای منظرین سرزندگی و تبیین رابطه‌مندی سرزندگی شهری با حس مکان می‌تواند اساس ساماندهی، برنامه‌ریزی و گزینش قواعد شهرسازی شمرده شود و بحران بی‌هویتی و گم‌گشتگی انسان امروز در فضاهای شهری، ناشی از بی‌مکانی و عدم توجه به ویژگی‌های اگزیستانسیال او (هایدگر، ۱۳۸۵: ۳۲) حل شود.

پیشینه تحقیق

جین جیکوبز و کوین لینچ از مشهورترین افرادی که به طور خاص به موضوع سرزندگی پرداخته‌اند که بر دیدگاه آنها با وجود ارزشمند بودن، نقدهایی وارد است. به اعتقاد جین جیکوبز تنوع، سرزندگی را به دنبال خواهد داشت؛ البته این کاربری‌ها هستند که فعالیت‌ها را پدید می‌آورند و با وجود کاربری‌های مختلط، قطعاً تنوع فعالیت‌ها نیز بالا می‌رود و در نتیجه آن تنوع افراد مراجعه کننده در ساعات متفاوت روز افزایش می‌یابد. بنابراین یکی از ملزومات سرزندگی خیابان، وجود کاربری مختلط و تنوع آنهاست (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۱۶۰). کوین لینچ در کتاب «تئوری شکل شهر» (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۶۶-۱۵۵). عمدتاً سرزندگی را در مقیاس کلان مورد بررسی قرار می‌دهد و در طبقه‌بندی خود، عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و اکولوژیکی را مدنظر قرار داده و عواملی نظیر مسایل اجتماعی، فرهنگی را که درست به اندازه عوامل اکولوژیکی در این بحث دارای اهمیت هستند نادیده گرفته است. در داخل کشور کورش گلکار در پژوهشی که در رابطه با سرزندگی شهر به انجام رسانده (گلکار، ۱۳۸۶: ۳-۱) سرزندگی شهری را یکی از مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری تعریف می‌کند؛ رویکرد ایشان صرفاً کالبدی بوده و به بعد ادراک مخاطب و حس دریافتی وی از فضا توجهی نشده و ازدحام شلوغ معادل سرزندگی شهری است. پژوهش‌های زیادی در سرتاسر دنیا در زمینه سرزندگی فضاهای شهری صورت گرفته؛ لیکن در ایران هیچ تحقیق جامعی که از دیدگاه معماری منظر اصول مربوط به سرزندگی فضاهای شهری مورد بررسی قرار دهد انجام نشده و مطالعاتی که به عنوان پایه در میان پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی موجود است، به این مسئله تنها از زاویه کالبدی نگریسته‌اند و از جامعیت لازم برخوردار نیستند. آنچه این پژوهش را با سایر مطالعات انجام گرفته متمایز می‌کند، توجه به همه ابعاد سرزندگی (از دیدگاه شهرسازی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و منظر) و پتانسیل‌هایی است که با شناخت مخاطب، در لایه‌های معنایی فضای شهری برای پویایی و سرزندگی آن به‌دست آورد. در این تحقیق ویژگی‌های مخاطب و مکان توأمان در نظر گرفته می‌شود. وجه امتیاز این تحقیق نگرش سیستمیک و کل‌نگری رویکرد منظر به مخاطب، فضای شهری و روابط متقابل این دو و رسیدن به مؤلفه‌های سرزندگی طراحی منظر به عنوان پاسخ به نیازها در فضاهای بیرونی و رشد و پویایی مدنی و اجتماعی است.

مبانی نظری

• مفهوم سرزندگی

در لغت‌نامه شهرسازی رابرت کوان سرزندگی و زیست‌پذیری

می‌انگیزد، می‌داند. سالزانو^۲ با انتشار «هفت هدف برای نیل به شهر سرزنده» در سال ۱۹۹۷، سرزندگی را عبارت از هویت داشتن، وجود زندگی اجتماعی در شهر، خوشبختی و پیشرفت اجتماع و اشخاص و پایداری اکولوژیکی می‌داند. هانری لنارد در کتاب سرزنده‌سازی شهرها در سال ۱۹۹۷، امکان تماشای مردم و شنیدن صدای آنها، امکان آمدن غیررسمی مردم در عرصه‌های عمومی، تأیید و ارزش قائل شدن همه شهروندان برای یکدیگر و احترام به معرفت و آگاهی‌های تمام ساکنان معیارهای تعریف یک فضای شهری سرزنده می‌داند. جان مونتگومری سرزندگی را در کنار تنوع از اجزای اصلی سازنده فعالیت در یک فضای شهری برشمرده و معتقد است سرزندگی موجب تمایز مناطق موفق شهری از یکدیگر می‌شود (Montgomery, 1998: 97). سای پامیر در کتاب «آفرینش مرکز شهری سرزنده» معتقد است دو ویژگی کلیدی خاص به مثابه موفقیت در سرزندگی مرکز شهر استوار هستند. یک بازار متنوع^۳. شخصیت منحصر به فرد یک شهر با تنوع و تمرکز کارکردها و استفاده‌هایی که مکمل یکدیگر باشند تعریف می‌شود. فراوانی و پرتنوعی کاربرها باعث ایجاد فعالیت عابران پیاده و یک محیط اجتماعی سرزنده می‌شود که به نوبه خود باعث پایداری کاربری‌های مختلط می‌شود. یک مکان با کیفیت بالا^۴، یک محیط کالبدی راحت، امن و با جذابیت بصری در دراز مدت اطمینان خاطر، تعهد و زمینه‌های سرمایه‌گذاری جامعه را ارتقاء می‌بخشد. به عقیده یان گل^۵، یک مکان سرزنده جایی است که مردم برای درنگ ماندن و ملاقات انتخاب می‌کنند، به جای اینکه

در کنار هم آمده و به عنوان ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق تعریف شده است (Cown, 2005 : 442). واژه نشاط و سرزندگی در زبان فارسی به یک معنا به کار می‌روند، لیکن در ادبیات تخصصی طراحی شهری تنها واژه سرزندگی که معادل Vitality و Livability در زبان انگلیسی است، استفاده می‌شود (دادپور، ۱۳۹۱: ۳۹-۳۴). سرزندگی شهری، آینه‌ایی از سطح شلوغی و کمیت حضور مردم در فضاهای شهری نیست بلکه کیفیتی است وابسته به مکان منظر، جایی که مخاطب از تمام اقشار جامعه جهت انجام فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی افزون بر فعالیت‌های اجباری حضور یابد. با توجه به تعاریف بالا از مفهوم سرزندگی برای دستیابی به مؤلفه‌های منظرین سرزندگی به بررسی دیدگاه نظریه پردازان حوزه‌های مختلف شهری حول این مفهوم پرداخته شده است.

• سرزندگی از دیدگاه نظریه پردازان

نظریه پردازان مختلفی به بررسی مفهوم سرزندگی پرداخته‌اند. چالز لندری^۱ با تقسیم‌بندی سرزندگی مطابق جدول ذیل به تعریف این مفهوم مهم شهری می‌پردازد. کوین لینچ، سرزندگی را در درجه مطلوبیت و حمایت سکونتگاه از عملکردهای حیاتی، لوازم زیستی، ظرفیت و گنجایش زندگی انسانی تعریف کرده و پنج مؤلفه ثبات، هم‌آوایی، ایمنی، سود، حمایت و نگهداری را به عنوان ارکان سرزندگی ذکر می‌کند (Lynch, 1998: 118-124). جین جکوبز، سرزندگی فضاهای عمومی، محله و شهر را حاصل مجموعه‌ای از برخوردها و تماس‌های عمومی که معمولاً نیز خودبه‌خود بوده و حس شخصیت جمعی را در ساکنان بر

جدول ۱: انواع سرزندگی. مأخذ: Landry 2002.

سطوح اشتغال، درآمد خالص و استاندارد های زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالیانه گردشگران، عملکرد خرده فروشی ها، زمین و دارایی	سرزندگی اقتصادی	انواع سرزندگی
توسط سطوح فعالیت ها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده و به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و بویایی میان لایه های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه های زندگی، روابط موزون و یک جامعه با طراوت توصیف می شود.	سرزندگی اجتماعی	
- پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت دغ مواد زائد و فاضلاب، انبوه‌تراکی و فضای سبز قرار دارد. - طراحی که متغیرهایی مانند خوانایی، حس مان، تمایز معماری، اتصال و ارتباط بخش های مختلف شهر، کیفیت روشنایی و صمیمیت و امنیت روانشناسی	سرزندگی محیطی	
دربگیرنده یقاه، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشن های اجتماعی و مصرف محصولات و هنر دستی بومی و نشانه هایی که بیانگر هویت متمایز شهر می باشد.	سرزندگی فرهنگی	

را ایفا می‌کند که در ادامه به بررسی این رابطه پرداخته شده است.

نقش حس مکان در سرزندگی • حس مکان

بیان جدید از ماهیت مکان، دستاوردی انفجاری بود که در جهان دو قطبی (دو آلیسم دکارتی) رخ داد. مکان در نظریات جدید، پدیده‌ای فیزیکی - معنوی است. این پدیده جدید، که مکان^۶، نام گرفت خصلت دوگانه‌ای از خود بروز می‌دهد که قابل تفکیک نیست (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۱). واژه حس (sense) در فرهنگ لغت آکسفورد سه معنای اصلی دارد: نخست یکی از حواس پنج‌گانه، دوم احساس، عاطفه و محبت که در روان‌شناسی به درک تصویر ذهنی گفته

خواهند سریع از آن عبور کنند. شهر سرزنده از دید یان گل شهری است که در آن فضاهای عمومی دارای عملکرد و کارایی هستند (Gehl, 2006:34).

با توجه به تعریف ادبیات سرزندگی در رویکردهای کالبدی نظریه‌پردازان فوق، نقش حس مکان، نتیجه سنتز معنا و کالبد، در ایجاد سرزندگی شهری نادیده گرفته شده است. در مواردی که از حس مکان یا رنگ تعلق (Bently, 1985:293-315) صحبت به میان آمده است، این حس نه تنها با مفهوم مورد نظر تفاوت معنایی دارد بلکه چون نتیجه امر را که کالبد است تنها از طریق اقدامات کالبدی قابل کنترل می‌دانند نمی‌توانند آن را هدایت کند (منصوری و فرزین، ۱۳۹۵: ۱۸). به زعم محققان نوشتار حاضر حس مکان صفتی است که در سرزندگی فضاهای شهری نقشی کلیدی

جدول ۲: معیار های سرزندگی از دیدگاه صاحب‌نظران، مأخذ: نگارندگان.

نام نظریه پرداز	سال	معیار سرزندگی	نام نظریه پرداز	سال	معیار سرزندگی
کوبن لینچ	۱۹۸۱	- ثبات - هم آوایی - ایمنی - سود - حمایت و نگهداری	جین جکوبز	۲۰۰۲	-تنوع - طراحی شهری جذاب و متناسب با فعالیت ها -عوامل اجتماعی - فرهنگی
چارلز لندری	۱۹۹۴	- داده های بستر - اختلاط کاربری و تنوع - دسترسی - ایمنی - هویت - نوآوری و خلاقیت - قابلیت رقابت - ظرفیت سازمانی	سای پامیر	۲۰۰۴	- اختلاط کاربری - تشویق فشردگی - تراکم توسعه - توازن فعالیت ها - سهولت دسترسی - افزایش پیوند های عملکردی - هویت و تاریخ
سالزانو	۱۹۹۷	-هویت -تعاملات اجتماعی -پایداری اکولوژیکی	یان گل	2007	- مقیاس انسانی؛ مسیرهای منطقی کوتاه، فضای کوچک - تراکم منطقی فضای شهری - عبور و مرور آرام؛ فراهم آورد امکان و پتانسیل توقف طولانی در فضای شهری -لبه های نرم؛ باز - مقیاس و ریتم - فعال و جاذبه برای حواس - بافت و جزئیات - اختلاط کاربری - ریتم عمودی نما
هانری لنارد	۱۹۹۷	- عدالت اجتماعی -تعاملات اجتماعی	جهانشاه پاکزاد	۲۰۰۷	-تنوع در کالبد، عملکرد و کاربری - بهره گیری از عناصر طبیعی - دعوت کنندگی و حضور افراد - برقراری امنیت
جان مونتهگومری	۱۹۹۸	- اختلاط کاربری - فعالیت تجاری - بازارهای موقت - وجود ساختمان ها با سبک ها و طرح های مختلف - جداره های فعال			

سرزنده، وجود مفهوم حس مکان^۷ (genius loci) را بیان می‌کند (Norberg-schulz, 1971:75, Cullen, 1961:26). حس مکان اساساً به وجود طیف گسترده‌ای از فرصت‌های تجربه فضا توسط مخاطب مربوط است و پیوندی محکم بین فرد و مکان در طی زمان ایجاد می‌کند و افراد خود را با مکانی که به آن تعلق دارند تعریف می‌کنند. از این رو در بسیاری از فضاهای سرزنده شاهد قلمروهای جمعی متفاوتی هستیم که مطابق با حس مشترک خود از مکان در قسمت‌ها و زمان‌های مشخص در فضا حضور می‌یابند (Stedman, 2002: 568; Lennard & Lennard, 1984:4). همان‌طور که در تعریف سرزندگی فضاهای شهری اشاره شد، سرزندگی کیفیتی است که مخاطب از تمام اقشار جامعه جهت انجام فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی افزون بر فعالیت‌های اجباری حضور یابد و مطابق با تحقیقات لنارد در میدانی شهری در ایتالیا میزان و حوزه‌های سرزندگی یک فضای شهری مستقیماً تأثیر گرفته از حس مکان و زمان است (همان). از دیدگاه روان‌شناسی محیطی، انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم‌ذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد، قابل تحقق است (باقری، ۱۳۸۵: ۶۶). حس مکان موجب هماهنگی فرد با محیط و رضایت وی از محیط شده و همچنین انگیزه لازم برای ماندگاری فرد در محیط بیشتر شود و مخاطب برای مراجعه مجدد به مکان اشتیاق داشته باشد و این دل‌بستگی مکانی مخاطب منجر به سرزندگی فضاهای شهری و خیابان می‌شود (Zaidin&others, 2015:6-20). عدم وجود حس مکان باعث بی‌تفاوتی مخاطب شده به طوری که به راحتی می‌تواند به آن آسیب برساند، عدم مشارکت در امور شهری: بی‌تفاوتی احساسی و انفعال که منجر به تنهایی، افسردگی و بحران گم‌گشتگی انسان امروز می‌شود (صافیان، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۹۰) و مخاطب دلیلی برای پرسه زنی^۸، در این فضا برای جستن خویشتن خویش نمی‌یابد. لذا باید به این نکته توجه داشت که آنچه هویت شهر را می‌سازد، حس انسان از فضاهای آن است و در واقع، مجموعه‌ای از حواس گوناگون که خاطرات انسان‌ها را از یک شهر به خصوص شکل می‌دهد (Jackson, 1994: Brinckerhoof). شامای درجات مختلفی را برای حس مکان (نمودار ۱) تعریف می‌کند (Shamai, 1991: 347-358). که می‌توان به واسطه مؤلفه‌های کارکرد، زیبایی و معنای کالبد که مواد خام حس مکان (همان) هستند میزان این حس را در مکان‌های مختلف شهری از حالت بی‌تفاوتی تا بالاترین میزان حس مکان، ایثار، بالا برد. حس مکان صفتی است که در سرزندگی شهری نقش بسزایی دارد (منصوری، ۱۳۹۵). اثبات میزان این تأثیر خارج از حوصله این مقاله است و در

می‌شود و در نهایت حس به معنای شناخت تام یا کلی یک شیء توسط انسان است. اما واژه حس در اصطلاح حس مکان بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی آن در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است (فلاح، ۱۳۸۵). حس مکان، تنها یک راه ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است و به شناسایی نمادین و عاطفی فرد نسبت به مکان مربوط می‌شود (Stefanovic, 1998:31-44) و سنتزی از احساسات خودآگاه و ناخودآگاه و ادراک است؛ مفهومی است غنی که چگونگی دریافت، تجربه و بیان افراد را شامل می‌شود و به یک مکان معنا می‌دهد و حس فرد از مکان روی نگرش‌ها و رفتار وی در آن مکان تأثیر می‌گذارد (Shamai, 1991: 347-358). این حس یک فاصله انتزاعی بین خود و مکان است که امکان درک مکان را به وجود می‌آورد (Taun, 1980: 3-8). یک فضای فیزیکی با هر مقیاسی به خودی خود، حس مکان ایجاد نمی‌کند، بلکه برهم کنش‌هایی بین افراد و مکان و بین خود افراد این حس تولید می‌شود (Pretty, et al, 2003: 273-287). این حس به طور گسترده‌ای در بین افراد مختلف متفاوت است. لیکن می‌تواند زمینه‌ای مشترک در یک مجموعه انسانی باشد. حسی مشترک از تاریخ فرهنگی و جغرافیایی که خود را در ترکیبی از غرور و تعهد به بهبود مکان نشان می‌دهد. کارکرد، زیبایی و معنای کالبد، مواد خام حس مکان هستند و پیوندهای دیالکتیک بین آنها روابط ساختار اولیه شکل‌گیری یک فضای جمعی سرزنده است (Shamai, 1991: 347-358). حس مکان در اثر ارتباط متقابل انسان با عوامل کالبدی و معنایی شکل می‌گیرد و از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم‌تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هر کدام از آنها به تنهایی برای خلق حس مکان نیست و علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد است. با توجه به تعاریف بالا از حس مکان این صفت که عامل ایجاد دل‌بستگی به مکان‌های شهری می‌شود در تعریف نظریه پردازان شهری مورد توجه قرار نگرفته و مفهوم سرزندگی شهری در رویکرد کالبدی برنامه‌ریزان و طراحان شهری و حس مکان نه تنها هم پوشانی تعریفی ندارد بلکه در معنا نیز متفاوت می‌کند (منصوری، ۱۳۹۵).

۱۰ ایجاد سرزندگی به واسطه حس مکان

توسعه مفهوم سرزندگی در سال‌های اخیر باعث شد فضاهای سرزنده مفهومی بالاتر از جمع جبری معیارهای سرزندگی نظریه‌پردازان قبلی تلقی شود. تفاوت بین فضاهایی که تمام این فاکتورها را داشتند و سرزنده نبودند و فضاهای

اینجا به اثبات این رابطه بسنده شد.

ایجاد حس مکان به واسطه ی رویکرد منظر

• رویکرد منظر

منظر، گونه‌ای دیگر از مکان (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۳) و محصول تعامل انسان و محیط در فضای بیرونی است (برک، ۱۳۸۷). منظر دارای ماهیت مکان و محصول تجربه انسان در فضا و پدیده‌ای است عینی - ذهنی، پویا و نسبی که در تعامل با تاریخ و طبیعت شکل می‌گیرد (منصوری، ۱۳۸۳). زمینه تولید منظر، به‌عنوان شاخه‌ای جدید از علوم که به تحلیل و بررسی محیط زندگی بشر می‌پردازد، تفسیر غیرقطبی (غیر کارترین) از جهان، نگرش سیستمی و تغییر تعریف معنا از «محتوای ذاتی ماده»، حاصل بازنگری در روش اندیشیدن انسان بود، فراهم ساخت (منصوری و فرزین، ۱۳۹۵: ۳۳). مهم‌ترین اصل در منظر سنتز یا برهم‌نشست جزء کالبد و معنا، به گونه‌ای غیر قابل تفکیک و جدانشدنی است. به عبارت دیگر مهم‌ترین نکته‌ای که محل تمایز رویکرد منظر می‌شود و اختلاف واضح‌تری بین این گرایش با سایر گرایش‌ها تعریف می‌کند. کل‌نگر بودن آن است.

• رابطه‌ی رویکرد منظر و حس مکان

همانطور که در تعریف حس مکان گفته شد این حس، یک فاصله انتزاعی بین مخاطب و مکان است که امکان درک مکان را بوجود می‌آورد (Taun, 1980: 3-8) و مفهومی است

ذهنی و تنها از طریق اقدامات کالبدی حاصل نمی‌شود و از آنجا که ماهیت منظر پدیده‌ای عینی - ذهنی است می‌توان به واسطه ماهیت دوگانه منظر این مفهوم ذهنی را در کالبد متبلور کرد. از سوی دیگر برای ایجاد حس مکان اگر سه بعد کارکرد، زیبایی و معنا (Shamai, 1991: 347-358) را در فضاهای شهری در نظر بگیریم. «بررسی جداگانه سه بعد معنایی، عملکردی و کالبدی شهر نشان می‌دهد که سابقه مطالعات و توسعه شهری عمدتاً معطوف به دو بعد عملکرد (برنامه‌ای) و کالبدی (طراحی) آن است. آنچه به عنوان بعد معنایی شهر مورد توجه بوده است بیشتر معطوف به حفظ نمادهای تاریخی و یا کالبدی بوده است» (منصوری، ۱۳۹۱). لذا با رویکردی منظرین که مهم‌ترین اصل آن کل‌نگری است می‌توان کارکرد، زیبایی و معنا را که اساس ایجاد حس مکان در انسان است به گونه‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی سنتز کرد که مکانیت یک فضای شهری در مخاطب اثر کرده و آن را از کاربری بی‌تفاوت به کاربری که حس تعلق بالایی به فضای شهری دارد و حتی هماهنگ با اهداف مکان است تبدیل کرد. این مهم میسر نخواهد شد مگر اینکه شهر و فضای شهری را سیستمی پیچیده و در هم تنیده تصور کرد که هر یک از نقش‌های کارکرد، زیبایی و معنا را در منطقی یک‌بکه برشمرد. منظر، آخرین دیسپلینی است که با تعریف جدیدی از "مکان" و به دنبال آن "شهر" (منصوری و فرزین، ۱۳۹۵: ۱۲) می‌تواند پاسخ مناسبی برای ایجاد حس مکان



نمودار ۱: میزان حس تعلق در افراد. مأخذ: Shamai, 1991: 347-358.

فیزیکی نیست و تنها به صحنه کشفیات ذهنی مردم خلاصه نمی‌شود (منصوری و آتشین‌بار، ۱۳۹۳). در سال‌های اخیر با تصمیم‌گیری‌های صرفاً کالبدی و ارجحیت دادن به حرکت سواره در این خیابان نقش تأثیرگذار مخاطب پیاده در سرزندگی و پویایی این خیابان نادیده گرفته شده است و این محور به ویژه در محدوده مطالعاتی (حدفاصل چهارراه پارک وی - میدان ونک) حس مکان و به‌دنبال آن سرزندگی و فعال بودن خود را از دست داده است. از این رو با توجه به معیارهای به دست آمده از چارچوب نظری تحقیق، تحلیل و توصیف شرایط فعلی سرزندگی این خیابان از دو روش نقشه‌برداری رفتاری و پرسشنامه بهره‌گرفته شده و در نهایت راهکارهایی در جهت افزایش سرزندگی و تقویت پهنه بندی‌های معنایی از دیدگاه منظر ارایه شده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه سرزندگی مؤلفه‌ای خطی نبوده و تأثیر گرفته از مؤلفه‌های مکان و حس دریافتی مخاطب از مکان است. میزان و محدوده‌های سرزنده خیابان ولی‌عصر در محدوده مطالعاتی با روش نقشه‌برداری رفتاری ثبت می‌شود. سپس با توجه به مؤلفه‌های سرزندگی به دست آمده از مبانی نظری میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها در جهت افزایش حس مکان و به عبارت عامیانه‌تر میزان تأثیر مؤلفه‌ها برای حضور وی و سرزندگی خیابان در جامعه آماری به تعداد ۲۰۰ نفر مورد پرسش واقع می‌شود و در نهایت با استفاده از آزمون فریدمن با وزن‌دهی مؤلفه‌ها، میزان تأثیر هر یک بررسی و نتیجه‌گیری شده است.

• نقشه‌برداری رفتاری

در این روش با مشاهده مستقیم، نحوه استفاده از فضا یا موقعیت‌های خاص ثبت می‌شود. مطابق با نقشه‌برداری رفتاری فعالیت‌ها به ۵ گروه زیر دسته‌بندی شدند.

۱- ایستادن: در مقابل نشانه‌ها از جمله بازارچه صفوی، پارک ملت، رستوران برج، افراد برای ملاقات یکدیگر، صحبت کردن و تماشا کردن و سلفی گرفتن توقف دارند. ۲- نشستن: از آنجا که لبه هر دو سمت خیابان به صورت عمده لبه‌هایی صلب است نشستن افراد بیشتر در محل‌هایی صورت می‌گیرد که صندلی‌های شهری تعبیه شده است. ۳- پرسه زنی: بیشتر در محدوده پارک ملت شاهد این فعالیت هستیم. ۴- راه رفتن اجباری: این فعالیت بیشتر در محدوده چهار راه نیایش تا میدان ونک مشاهده شده است. حال با توجه به مشاهده فعالیت‌ها و کالبد محدوده نقشه حوزه‌بندی معنایی زیر به دست آمده است.

با توجه به نقشه‌برداری رفتار کاربران و مشاهدات دوره‌ای و منظم در محدوده مطالعاتی میدان ونک تا چهارراه

و سرزندگی فضاهای شهری شود. یکی از دغدغه‌های انجمن معماران منظر امریکا ایجاد سرزندگی به واسطه حس مکان است که در اکتبر سال ۲۰۱۶ یک از محورهای گردهمایی سالانه این انجمن بود.

• تبیین مؤلفه‌های منظرین سرزندگی با تأکید بر ایجاد حس مکان شهر به مثابه موجودی زنده دارای کالبد (بعد عینی) - روح (بعد ذهنی) است و شرط ادامه زندگی یک موجود، داشتن کالبد و روح به‌طور همزمان است که در نبود هر یک، دیگر ((حی)) وجود ندارد و برای شناسایی مؤلفه‌های سرزندگی با توجه به تعریفی که از رویکرد منظر انجام شد، نمی‌توان عینیت و ذهنیت منظر شهری و سه معیار ایجاد حس مکان، کالبد، معنا، کارکرد را جدا از هم در نظر گرفت چرا که این مؤلفه‌ها به مثابه جزیی از یک کلیت منسجم در ارتباط تنگاتنگ با هم قابل انفکاک نبوده و با نقصان و یا حذف هر کدام در سرزندگی سیستم شهر و خیابان خلل ایجاد می‌شود و در هم‌تنیدگی معنا در کالبد و کارکرد طرح در یک کلیت واحد و منسجم در نظر گرفته می‌شود.

در ادامه پژوهش با توجه به معیارهای سرزندگی به دست آمده از مبانی نظری به بررسی و تحلیل سرزندگی خیابان ولی‌عصر (حدفاصل چهارراه پارک وی - میدان ونک) پرداخته شده است. علت انتخاب خیابان ولی‌عصر به عنوان نمونه موردی نقش کلیدی این خیابان از دید کل‌نگر منظر در ایجاد سرزندگی و تداوم هویت شهر تهران، مطرح شدن این خیابان به عنوان استخوان‌بندی تاریخی - گردشگری شهر تهران در طرح‌های بالادست^{۱۱} و ثبت ملی^{۱۲} این محور در میراث فرهنگی و تاریخی کشور و حساسیت بالای صاحب‌نظران و اندیشمندان و مردم نسبت به تصمیمات این خیابان است در پایان راهکارهایی مطابق با مبانی نظری در جهت احیای این خیابان و سرزندگی بیشتر آن ارایه شده است.

روش شناسی

• معرفی خیابان ولی‌عصر در محدوده مطالعاتی

خیابان ولی‌عصر با طول ۱۷/۹ کیلومتر بلندترین خیابان مشجر تهران و خاورمیانه با اندیشه پیوند یک منطقه شهری در دشت به یک منطقه ییلاقی در ارتفاعات کوهپایه‌ای با انطباق بر توپوگرافی طبیعی به دستور رضاشاه احداث شده است. وجود بناهای ارزشمند از معماری قاجار تا دوران مدرن، بهره‌گیری از تکنولوژی آبیاری سنتی ایرانی (قنات)، کریدور دید به رشته کوه‌های البرز و درختان کهنسال چنار این خیابان را به نمونه‌ای منحصر به فرد از مفهوم باغ-خیابان تبدیل کرده است (طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۸). ولی‌عصر از مهم‌ترین فضاهای شهری تهران قرن چهاردهم شمسی است که ثابت می‌کند «خیابان» صرفاً فضای

جدول ۳. مؤلفه‌های منظرین سرزندگی با تأکید بر ایجاد حس مکان، مأخذ: نگارندگان.

معیار معنایی، مؤلفه‌های ذهنی،	عناصر شاخص (تاریخی ، نمادین و ...) در خیابان
	وجود حافظه و ذهنیت جمعی و تاریخچه قوی در یروژاتفاقات و حوادث اجتماعی
	نقش کلیدی در ساختار قضایی شهر از حیث ارتباط یا رویداد های شهر (اجتماعی ، سیاسی و غیره)
	نقش نشانه‌ای و نمادین خیابان در کلیت منظر شهر
	جریان مراسم و جشن‌های عمومی جهت تقویت نقش قضا
	مشارکت اجتماعی
معیار زیبایی شناسی و کالبدی، مؤلفه‌های عینی،	لیه‌های نرم و فعال یودن جداره‌ها
	مقیاس انسانی و منطقی
	مکان‌یابی بپینه طرح و نیازهای طرح
	توجه به نورپردازی ، هماهنگی جداره‌ها و رنگ آمیزی ، نوع مصالح و سبک معماری
	نوآوری و خلاقیت یا توجه به قرهنگ یومی و ایرانی
	یاداری اکولوژی یومی
معیار فعالیت و کاربری ها	اختلاط کاربری متناسب یا روحیه قضا
	همه‌شمولی و برنامه‌ریزی برای تمام گروه‌ها و تنوع خیابان یا تغییر جمعیت مخاطبان ، تغییرات فصل و شبانه‌روز
	تعریف فضاهایی جهت انجام فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی یا توجه به شرایط اقلیمی و منطبق بر حوزه یندی‌های معنایی
	تشویق به پیاده‌روی از طریق ایجاد تسهیلات لازم برای سالمندان و معلولین و تفکیک مسیر متناسب کارکرد
	امنیت و حرمت قضای شهری
	عبور مرور آرام و قراهم آوردن پتانسیل توقف و پرسه‌زنی در قضای شهری

مؤلفه‌های منظرین سرزندگی با تأکید بر ایجاد حس مکان

نسبت به محدوده ونک داشته ولی به دلیل عدم توجه به این پتانسیل در طراحی شهری و نبود واشدگاه در محدوده، کاربر مجال مکث و پرسه‌زنی در فضای شهری را ندارد. حد فاصل چهارراه میرداماد تا چهارراه نیایش بالاترین میزان راکدی و عدم سرزندگی را در محدوده بعد از محدوده صدا و سیما داشته و کاربران به دلیل غیرفعال و صلب بودن جداره‌ها،

میرداماد محدوده‌ای تجاری محسوب می‌شود که به دلیل طراحی نامناسب خوانایی برای کاربر نداشته و همچنین این محدوده با پایان ساعات اداری خالی از کاربر شده و حتی در روزهای پایان هفته و تعطیل فضایی مرده و راکد دارد. چهار راه میرداماد به دلیل مجتمع پایتخت که جاذب کاربر به‌خصوص جوان است دارای سرزندگی بالاتری در طول هفته

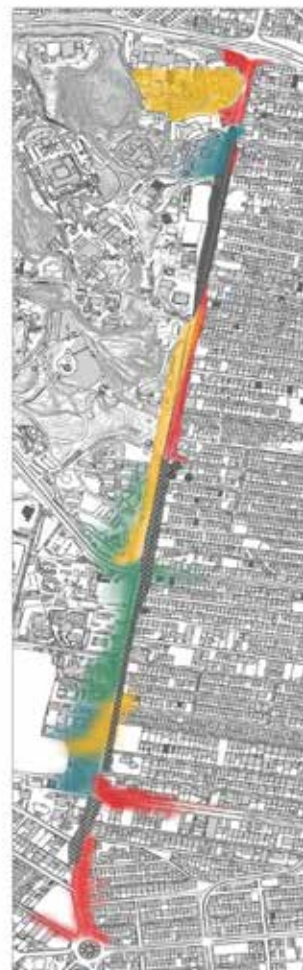
فضای شهری است. کاربران کمتری را نسبت به پتانسیل خود در سال‌های اخیر جذب می‌کند. خیابان ولی‌عصر که زمانی خیابانی گردشگری و لوکس چه برای شهروند تهرانی و چه برای گردشگران خارجی بوده در سال‌های اخیر عظمت و شکوه خود را از دست داده و رستوران‌ها و فروشگاه‌های گران‌قیمت جای خود را به ارزان‌فروشی‌ها و رستوران‌های ارزان قیمت داده است. که متأسفانه با توجه به بالا بودن اجاره مغازه‌ها و عدم سودآوری اقتصادی بسیاری از همین اصناف در این خیابان رو به تعطیلی است.

• پرسشنامه

پرسشنامه‌ها برای دو گروه تدوین شده است. گروه اول (کاربران موقت) افرادی نظیر عابران پیاده که به طور دایم در محدوده مطالعاتی حضور ندارند ولی شاهد اتفاقات و شرایط حاکم بر آن فضا هستند و نوع دوم (شاغلان و ساکنان در محدوده افرادی نظیر مغازه‌داران هستند که دایماً در فضا حضور دارند و رویدادها و تغییر شرایط بر زندگیشان تأثیر خواهد داشت، ضمناً افرادی که دارای سابقه سکونت کمتر از ۱۰ سال در تهران را دارند از ادامه پرسشنامه حذف شده‌اند؛ برای تعیین حجم نمونه، با توجه به این که کل جامعه آماری در دسترس نیست، از روشی استفاده شد که به جامعه آماری وابسته نباشد. سطح اطمینان ۹۵٪ در نظر گرفته شد بنابر این $t = 1.96$ و فاصله اطمینان یعنی $d = 0.254$ و پیش‌برآورد متغیر موردنظر یعنی $s^2 = 3.06$ در نظر گرفته شد. در نتیجه حجم نمونه ۱۹۹/۸۸ به دست آمد. از آنجا که حجم نمونه به دست آمده قطعاً از ۵٪ کل جامعه آماری کمتر است نیازی به تصحیح ندارد. بنابراین پرسشنامه بین تعداد ۲۰۰ نفر به طور تصادفی تقسیم شد که ۱۲۰ نفر کاربران موقت و ۸۰ نفر کاربران دایمی را شامل می‌شوند (نمودار ۱). اولین سؤال پرسشنامه: هدف از مراجعه به خیابان چیست؟ (نمودار ۲). سؤال بعدی میزان سرزندگی خیابان ولی‌عصر است که نتیجه این سؤال مطابق با نمودار ۳ است.

با توجه به پرسشنامه انجام شده و نقشه‌برداری رفتاری می‌توان نتیجه گرفت که در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های شهری علاوه بر توجه به جاری بودن هویت و معنا در جزییات معماری و طراحی خلاق و منطبق بر نیاز زمانه منطبق بر هویت ایرانی در جهت خلق حس مکان، بایستی پهنه ولی‌عصر را کلی پیوسته در نظر گرفت که پهنه‌بندی‌های معنایی آن به مثابه کل‌هایی کوچکتر در ارتباط تنگاتنگ و پیوستگی حداکثری با هم باشند و گسست در حوزه‌بندی‌های معنایی در طراحی‌ها با فعال کردن حوزه‌ها و جداره‌ها از بین برود.

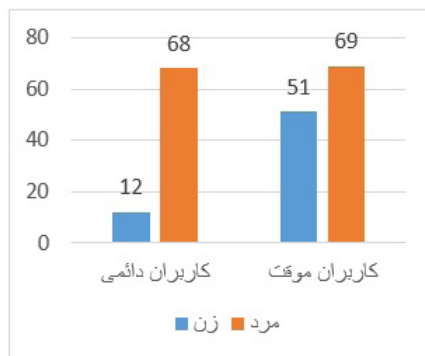
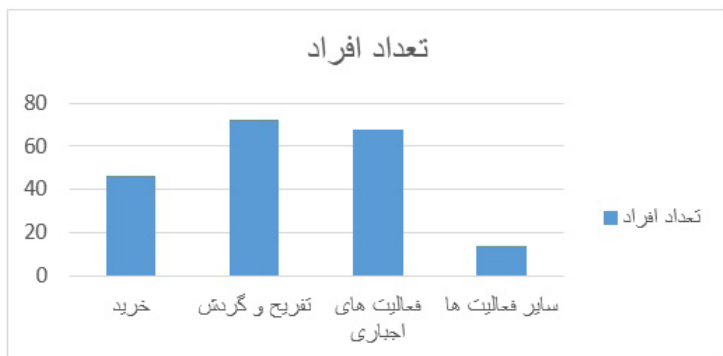
- پهنه سرزنده تفریحی - تفریحی
- پهنه سرزنده تجاری
- پهنه مرده
- پهنه نیمه مرده
- پهنه درمانی
- پهنه آموزشی



نقشه ۱. حوزه بندی کاربری‌ها خیابان ولی‌عصر در محدوده مطالعه. مأخذ: الناز مرتاضی مهربانی.

نقشه ۲. پهنه بندی معنایی و فعالیت‌های خیابان ولی‌عصر در محدوده مطالعه. مأخذ: الناز مرتاضی مهربانی

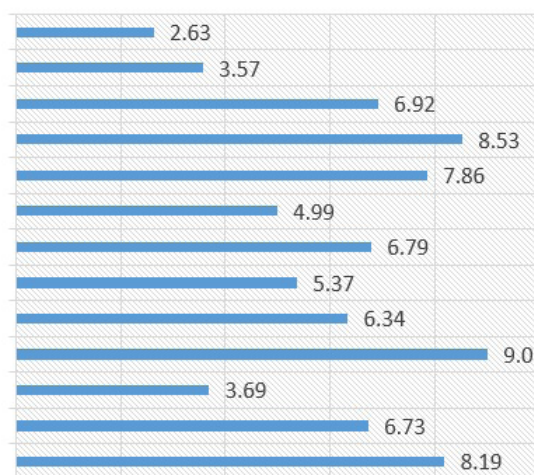
عدم وجود عناصر معنایی و نشانه و یا بی‌توجهی طراحان شهری در معرفی و شاخص کردن نشانه‌ها و نبود امنیت متعاقب تمایلی به حضور و فعالیت سرزنده در این محدوده‌ها را ندارند و محدوده پارک ملت به دلیل وجود واشدگاه‌های مناسب، وضعیت مطلوب طراحی باقی مانده از سالیان گذشته و عناصر معنایی و خاطره‌انگیز و وجود کاربری‌ها و جداره‌های فعال و ریزدانه متناسب با مقیاس انسانی دارای بالاترین میزان سرزندگی است که متأسفانه با یکطرفه شدن خیابان ولی‌عصر و به تبع آن کاهش میزان دسترسی و ضعف شبکه حمل و نقل عمومی و نبود پارکینگ که از نیازهای اولیه



نمودار ۱. هدف مراجعه به خیابان ولی عصر. مأخذ: نگارندگان.

نمودار ۳. میزان کاربران دائمی و موقت شرکت کننده در پرسشنامه به تفکیک جنسیت. مأخذ: الناز مرتاضی مهربانی.

معیار	میزان سرزندگی خیابان ولی عصر
a	یکطرفه شدن خیابان
b	معماری شاخص
c	نمادها، عناصر هویتی و خاطره‌انگیز در خیابان
d	جریان مراسم و جشن‌های مردمی
e	مشارکت عمومی
f	میزان شفافیت و فعال بودن جداره‌ها
g	خوابایی فضا
h	امنیت و حرمت
i	نواوری و خلاقیت هویت‌مند ایرانی
j	اصلاح تابلوها و جداره خیابان و توجه به رنگ آمیزی، کفسازی، مبلمان
k	دسترسی و امکان استفاده برای تمام اقشار
l	اهمیت حرکت پیاده و تقویت فضاهای تفریحی



جدول ۴. مؤلفه‌های ایجاد حس مکان در سرزندگی خیابان ولی عصر. مأخذ: الناز مرتاضی مهربانی.

نمودار ۲. میزان تاثیر مؤلفه‌های ایجاد حس مکان در سرزندگی خیابان ولی عصر. مأخذ: الناز مرتاضی مهربانی.

Friedman Test

Ranks

	Mean Rank
a	3.57
b	6.92
c	8.53
d	7.86
e	4.99
f	6.79
g	5.37
h	6.34
i	9.01
j	3.69
k	6.73
l	8.19

Test Statistics^a

N	200
Chi-Square	610.090
df	11
Asymp. Sig.	.000

a. Friedman Test

جدول ۵. میزان تاثیر مولفه های سرزندگی در آزمون فریدمن. مأخذ: الناز مرتاضی مهربانی.

نتیجه گیری

احیا و سرزندگی فضاهای شهری به مثابه رویکردی مداخله گر، اصلی ترین رویکرد منظر شهری در دوران حاضر است. مقاله حاضر در پی شناخت و تحلیل رابطه مفهوم سرزندگی و احیاء فضاهای شهری با بررسی نظریه پردازان شهرسازی و برنامه ریزی شهری و مقایسه آن با نظریه پردازان حوزه منظر و جامعه شناسی مفهوم حس مکان که نقش به سزایی در ایجاد حس تعلق و وابستگی مخاطب فضاهای شهری برای حضور و مشارکت در این فضاها دارد که در حوزه شهرسازی به آن توجهی نشده یا با دیدی صرفاً کالبدی به آن پرداخته شده است. همانطور که قبل تر اشاره شد حس مکان به مثابه مفصلی برای پیوند فضاهای شهری با انسان است. از دیگر سو منظر با جنسی از مکان، ماهیتی دوگانه معنایی-کالبدی و رویکردی کل نگر که در هرگونه مداخله در فضاهای شهری کالبد و معنا را جداناپذیر دانسته، نسبت به سایر رویکردهای معماری، شهرسازی و مرمت رویکردی کامل تر و پرکارآمدتر است. در نتیجه با اتخاذ رویکرد کل نگر منظر در احیاء خیابان ولی عصر به واسطه مؤلفه های منظرین به دست آمده در این پژوهش (جدول ۳)، حس مکان کم رنگ شده یا از بین رفته در این خیابان را می توان تقویت کرد. که در ادامه با نقشه برداری رفتاری کاربران و توزیع پرسشنامه صحت و رابطه مؤلفه های منظرین ایجاد حس مکان و تأثیر آن بر سرزندگی اثبات شد به طوری که در پهنه های سرزنده و فعال تجمع چندین مؤلفه را با هم شاهد بودیم ولی در پهنه های مرده عدم وجود مؤلفه ها و یا کمبود آنها را شاهد بودیم. در نتیجه خیابان ولی عصر به عنوان نمونه ای برای اثبات درستی فرضیه مورد آزمون قرار گرفت در نتیجه با رویکرد منظر و بهره گیری مؤلفه های به دست آمده در طراحی و مداخلات شهری می توان حضور مردم در این فضاها را افزایش داد که به واسطه انجام دادن فعالیت های جدید و متناسب با معنا و تاریخ خیابان ولی عصر به تدریج حس تعلق افراد نسبت به فضا زیاد شده و به حس مکان تبدیل می شود و در نتیجه تداوم و سرزندگی خیابان و فضای شهری تضمین می شود.

پی نوشت ها

۱. Charles Landry.
۲. Salzano.
۳. Diverse market.
۴. High quality place.
۵. Jan Gehl.
۶. place.
۷. رومیان باستان با به کار گیری واژه Genius loci معتقد بودند برخی از فضاهای شهری دارای حس و روح منحصر به فردی است که نمی توان در سایر فضاها آن را یافت.
۸. پرسه زن یا فلانور مفهومی است که از زبان فرانسه به عاریه گرفته شده است که به معنای قدم زنی است. شارل بودلر، شاعر و نویسنده فرانسوی مفهومی دیگر از آن مشتق کرد که به معنای فردی است که در شهر قدم می زند تا آن را شخصاً تجربه کند. به علت استفاده ی بودلر و دیگر اندیشمندان در حوزه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و ادبی، پرسه زن مفهومی مهم در پدیده های شهری و مدرنیته شد. پرسه زنی تنها به قدم زنی در خیابان های شهر محدود نمی شود بلکه می تواند شیوه ای از تفکر فلسفی و زندگی باشد. بودلر پرسه زنی را یک قدم زن با شخصیت در خیابان های شهر توصیف می کند که نقشی اساسی در درک و ترسیم فضای شهر دارد. مفهوم پرسه زن در بحث پدیده مدرنیته در محافل دانشگاهی مفهوم مهمی است. همچنین این مفهوم دریچه ای از تفکر در زمینه های معماری و شهرسازی را باز کرده است والتر بنیامین فیلسوف و زیبایی شناس مارکسیست آلمانی، این مفهوم را ابزاری برای تحلیل و همچنین شیوه ای از زندگی می داند. از دیدگاه مارکسیستی او، پرسه زنی مولود زندگی مدرن و انقلاب صنعتی است. وی خود به نمونه ای از پرسه زن تبدیل شد که خیابان های پاریس را مشاهده می کرد و به مطالعات اجتماعی و زیبایی شناختی می پرداخت
۹. طرح احیاء و باززنده سازی استخوان بندی H شکل شریعتی، میرداماد، ولی عصر به عنوان مسیر تاریخی- فرهنگی تهران و مرکز جدید تهران معاصر در طرح تفصیلی منطقه ۳ قید شده است.
۱۰. خیابان ولی عصر در ۷ دی ماه ۱۳۹۰ در چهارمین همایش ثبت به تأیید شورا رسید. لیکن در توضیحات فقط آسفالت، جوی آب و درختان قید شده است و جداره ها عناصر معماری خیابان و فضاهای شهری این خیابان که کلیت این خیابان را تشکیل می دهد در این نگاه تک بعدی شهرداری و میراث فرهنگی از قلم افتاده است.

فهرست منابع

- باقری، شیدا. ۱۳۸۵. عرصه های عمومی، عرصه های فراموش شده شهر. در: هویت شهرهای جدید. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- برک، آگوستین. ۱۳۸۷. منظر، مکان، تاریخ. ت: مریم منصوری. باغ نظر، (۹): ۸۱-۹۰.
- پامیر، سای. ۱۳۸۹. آفریش مرکز شهری سرزنده. ت: بهزادفر، مصطفی و شکیبامنش، امیر. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۶. مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
- جیکوبز، جین. ۱۳۸۶. مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. ت: پارسا، حمیدرضا و افلاطونی، آرزو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- دادپور، سارا. ۱۳۹۱. معیارهای سرزندگی شهری. جستارهای شهرسازی، (۳۸) : ۳۹-۳۴.
- فلاحت، محمد صادق. ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. مجله هنرهای زیبا، (۲۳) : ۶۶-۵۷.
- طباطبائی، احمد و همکاران. ۱۳۹۴. خیابان ولی عصر میراث معماری و شهرسازی تهران؛ هنر معماری قرن. تهران : معاونت برنامه ریزی و توسعه سازمان زیباسازی شهر تهران.
- گلگار، کوروش. ۱۳۸۶. مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری. نشریه صفا، ۱۶ (۴۴) : ۷۵-۶۶.
- گل، یان. ۱۳۹۲. شهر انسانی. ت : غفاری، علی غفاری و غفاری، لیلا. تهران : علم معمار.
- لینچ، کوین. ۱۳۸۱. تئوری شکل شهر. ت : سید حسین بحرینی. تهران : انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی پور، علی. ۱۳۷۹. طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی. ت : فرهاد مرتضایی. تهران : انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- منصوری، امیر و فرزین، احمد علی. ۱۳۹۵. رویکرد منظرین در طراحی شهر. تهران : پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر.
- منصوری، سید امیر. ۱۳۹۵. مؤلفه های منظرین سرزندگی. مصاحبه. پژوهشکده نظر.
- منصوری، سید امیر. ۱۳۹۱. منظر شهری، مؤلفه های کمی و شاخص های هدایت و کنترل اسناد فنی. مجموعه مقالات همایش ملی منظر شهری، جلد ۳. تهران. تهران : سازمان زیباسازی تهران.
- منصوری، سید امیر. ۱۳۸۹. چيستی منظر شهری؛ بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران. مجله منظر، (۹) : ۳۳-۳۰.
- منصوری، سید امیر. ۱۳۸۳. نقدی بر بیانیه همایش سیما و منظر شهری. باغ نظر، ۱ (۲) : ۶۹-۷۸.
- منصوری، مریم و آتشین بار، محمد. ۱۳۹۳. به سوی منظر فرهنگی در شهر، مجله منظر، (۲۸) : ۱۷-۱۲.
- هایدرگر، مارتین. ۱۳۸۵. هستی و زمان. ت : جمادی، سیاوش. تهران : ققنوس.
- AARP. (2005). *Livable communities: An Evaluation Guide, public policy institute*. Washington: American institute of architects (AIA).
- Bentley, I., et al. (1985). *Responsive Environments: A Manual for Designers*. London: The Architectural Press.
- Cown, R. (2005). *The dictionary of Urbanism*. Tisbury: Streetwise press.
- Cullen, G. (1961). *Townscape*. London: Architectural Press.
- Gehl, J. (2006). Life, Spaces, Bulding; in Moor, M. and Rowndald, J. *Urban Design Futures*. London: Routledge.
- Jackson, J. (1994). *A sense of place; a sense of time*. New Haven: Yale University Press.
- Landry, C. (2000). *Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness*. Prince Claus Fund Journal, ARCHIS issue, Urban Vitality / Urban Heroes.
- Lynch, K. (1998). *Good City Form -Cambridge*. Massachusetts and London: The MIT Press.
- Salzano, T. (2007). Seven Aims for the Livable City “from “Making Cities Livable Goals. Available from: <http://www.LivableCities.org/Home>>. Accessed 12, June, 2017.
- Lennard, H. L. (1997). Principles for the Livable City” in Lennard, S. H. S von UngernSternberg, H. L. Lennard, eds. Making Cities Livable. *International Making Cities Livable Conferences*. Gondolier Press: California, USA.
- Lennard, S. H. C. & Lennard. H. (1984). *Public Life in Urban Places*. N.Y. South Hampton: Gondolier Press.
- Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban Design. *Urban Design*, (1): 93-115.
- Norberg-schilz, C. (1971). Existence, space and architecture. New York: Praeger.
- *Online Oxford English Dictionary*. Oxford University Press. Available from: 12 January 2016.
- Pretty, G., Chipuer, H. M. & Bramston, P. (2003). Sense of place among adolescence and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment• sense of community and place dependence in Relation to place identity. *Journal of Environmental Psychology*, (23): 273-287.
- Relph, E. (2009). A Pragmatic Sense of Place. *Environmental and architectural Phenomenology*, 20 (3): 24-31.
- Shamai, S. (1991). Sense of place: an empirical measurement. *Israel geoforum*, (22): 347-358.
- Stedman, R. (2002). Toward a social psychology of place: Predictive behavior from place-based cognitions, attitudes, and identity. *Environmental Behavior*, (34): 561-581.
- Stefanovic, I. L. (1998). Phenomenological encounters with place: cavtat to square one. *Journal of Environmental psychology*, (18):31-44.
- Tuan, Y. F. (1980). Rootedness versus Sense of Place. *Landscape*, (24): 3-8.
- Zaidin, N. (2015). Place Attachment in Relation to Urban Street Vitality. *International Transaction Journal of Engineering Management & Applied Sciences & Technologies*, 7 (1): 9-20.